



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

بررسی عوامل مرتبط با پرخاشگری در نوجوانان با تأکید بر عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی

ام البنین محمد زاده

دانشجوی کارشناسی روانشناسی واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
nada.mzadeh26@gmail.com

چکیده

پرخاشگری در دوران نوجوانی یکی از مهم ترین رفتارهای مسئله ساز است که می تواند پیامدهای قابل توجهی برای سلامت روان، روابط بین فردی و سازگاری اجتماعی نوجوانان به همراه داشته باشد. با توجه به چندعاملی بودن این رفتار، شناسایی عوامل مؤثر بر شکل گیری و تداوم پرخاشگری می تواند در طراحی برنامه های پیشگیرانه و مداخلات روان شناختی مؤثر باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر پرخاشگری نوجوانان انجام شده است. در این مطالعه، با مرور مطالعات و پژوهش های انجام شده، عوامل مرتبط با پرخاشگری در سه حوزه اصلی بررسی شدند. در سطح فردی، متغیرهایی همچون دشواری در تنظیم هیجان، تکانشگری، ضعف خودکنترلی و برخی ویژگی های روان شناختی با افزایش رفتارهای پرخاشگرانه ارتباط دارند. در سطح خانوادگی، عواملی مانند سبک های فرزندپروری نامناسب، تعارضات خانوادگی، کاهش حمایت عاطفی والدین و نظارت ناکافی می توانند زمینه بروز پرخاشگری را افزایش دهند. همچنین در سطح اجتماعی، تأثیر همسالان، طرد اجتماعی، تجربه قلدری، محیط اجتماعی نامطلوب و استفاده مشکل زا از رسانه های دیجیتال از عوامل مرتبط با پرخاشگری نوجوانان شناخته شده اند. در مجموع، یافته ها نشان می دهند که پرخاشگری نوجوانان حاصل تعامل مجموعه ای از عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی است و نمی توان آن را به یک عامل منفرد نسبت داد. بنابراین، رویکردهای پیشگیرانه و درمانی چندسطحی که همزمان بر مهارت های فردی، روابط خانوادگی و محیط اجتماعی نوجوان تمرکز داشته باشند، می توانند در کاهش پرخاشگری و ارتقای سازگاری روانی - اجتماعی نوجوانان مؤثرتر باشند.

واژگان کلیدی: پرخاشگری، نوجوانان، عوامل فردی، عوامل خانوادگی، عوامل اجتماعی



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

مقدمه

نوجوانی یکی از مهم ترین و حساس ترین دوره های تحول انسان است که با مجموعه ای از تغییرات هم زمان زیستی، شناختی، هیجانی و اجتماعی همراه می شود. نوجوان در این مرحله، از یک سو با تغییرات جسمانی و روان شناختی ناشی از بلوغ مواجه است و از سوی دیگر، به تدریج در مسیر دستیابی به استقلال، شکل دهی هویت، گسترش روابط اجتماعی و ایفای نقش های جدید قرار می گیرد. افزایش اهمیت روابط با همسالان، تغییر نوع رابطه با والدین، افزایش انتظارات تحصیلی و اجتماعی و ضرورت تصمیم گیری درباره آینده، شرایطی را ایجاد می کند که ممکن است برای برخی نوجوانان با فشار و تعارض همراه باشد. بنابراین، نوجوانی را نمی توان صرفاً یک دوره سنی بین کودکی و بزرگسالی دانست، بلکه باید آن را مرحله ای مهم در شکل گیری الگوهای هیجانی، رفتاری و بین فردی فرد در نظر گرفت (حجتی و همکاران، ۱۴۰۲). یکی از رفتارهایی که در این دوره اهمیت ویژه ای پیدا می کند، پرخاشگری است. پرخاشگری را می توان مجموعه ای از رفتارهای کلامی، جسمانی یا غیرمستقیم دانست که با هدف آسیب رساندن، تهدید، تحقیر، ارباب یا ایجاد ناراحتی در فرد دیگر بروز می کنند. پرخاشگری می تواند در قالب توهین و تهدید، درگیری جسمانی، تخریب اموال، رفتارهای خصمانه و همچنین اشکال جدیدتر آن مانند پرخاشگری و قلدری در فضای مجازی ظاهر شود. البته لازم است میان خشم و پرخاشگری تمایز قائل شد؛ خشم یک هیجان طبیعی است که ممکن است در پاسخ به ناکامی، بی عدالتی یا تهدید ایجاد شود، در حالی که پرخاشگری نوعی پاسخ رفتاری است که ممکن است تحت تأثیر نحوه تنظیم هیجان، تفسیر فرد از موقعیت، یادگیری اجتماعی و شرایط محیطی شکل بگیرد. از این رو، مسئله اصلی در مطالعه پرخاشگری آن نیست که نوجوان هرگز خشمگین نشود، بلکه چگونگی تبدیل خشم و ناکامی به رفتار سازگارانه یا آسیب زا اهمیت دارد. (اقبال زاده و بیرامی، ۱۴۰۳) اهمیت بررسی پرخاشگری نوجوانان از آن جهت است که تداوم رفتارهای پرخاشگرانه می تواند پیامدهایی در سطوح مختلف فردی، خانوادگی، تحصیلی و اجتماعی ایجاد کند. نوجوانی که به طور مکرر از پرخاشگری برای حل تعارض یا دستیابی به خواسته های خود استفاده می کند، ممکن است به تدریج در برقراری روابط سالم با والدین، دوستان و معلمان با دشواری مواجه شود. همچنین، پرخاشگری می تواند با کاهش کیفیت روابط اجتماعی، افزایش تعارض، افت سازگاری تحصیلی و شکل گیری الگوهای رفتاری ناسازگارانه همراه شود. از سوی دیگر، نوجوانانی که در معرض رفتارهای پرخاشگرانه دیگران قرار می گیرند نیز ممکن است پیامدهای منفی روانی و اجتماعی را تجربه کنند. بنابراین، پرخاشگری را نمی توان صرفاً یک رفتار نامطلوب فردی دانست، بلکه باید آن را مسئله ای مرتبط با سلامت روان و کیفیت تعامل نوجوان با محیط پیرامون در نظر گرفت. (محمودی تاج الدین و همکاران، ۱۴۰۴) پرخاشگری در نوجوانی همچنین می تواند در محیط های مختلفی بروز کند و شکل آن با توجه به موقعیت تغییر یابد. خانواده، مدرسه، گروه همسالان و فضای مجازی از مهم ترین بسترهایی هستند که نوجوان در آن ها روابط خود را تجربه می کند و الگوهای رفتاری مختلف را می آموزد. در خانواده، نحوه برخورد والدین با خشم و تعارض می تواند به عنوان الگویی برای نوجوان عمل کند؛ در مدرسه، کیفیت رابطه با معلمان و همسالان، احساس تعلق و تجربه تعارض یا قلدری اهمیت دارد؛ و در گروه همسالان، نیاز به پذیرش و تعلق می تواند نوجوان را در معرض هنجارهای مختلف رفتاری قرار دهد. گسترش استفاده از بازی های رایانه ای و فضای دیجیتال نیز ضرورت توجه به عوامل جدید مرتبط با رفتارهای پرخاشگرانه را افزایش داده است. (هاشمی تبار و ملک خانی، ۱۴۰۵) با توجه به چند عاملی بودن پرخاشگری، نمی توان این رفتار را به یک علت واحد نسبت داد. برخی نوجوانان ممکن است به دلیل ضعف در تنظیم هیجان یا تکانشگری، آمادگی بیشتری برای واکنش های سریع و شدید داشته باشند؛ در حالی که در نوجوان دیگری، تعارض خانوادگی، شیوه فرزندپروری، فشار تحصیلی، مشکلات روابط همسالان یا ضعف در انسجام هویتی ممکن است اهمیت بیشتری پیدا کند. به همین دلیل، مطالعه پرخاشگری نیازمند رویکردی است که عوامل فردی و محیطی را در کنار یکدیگر مورد بررسی قرار دهد. (مرادی گلریز و مرزبان،



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

(۱۴۰۵) یکی از عوامل مهم در سطح فردی، تنظیم هیجان است. نوجوانان در موقعیت های مختلف ممکن است هیجان هایی مانند خشم، ناکامی، حسادت، شرم، اضطراب یا احساس طردشدگی را تجربه کنند. توانایی فرد در شناخت، ارزیابی و مدیریت این هیجان ها تعیین می کند که واکنش او به موقعیت چگونه باشد. نوجوانی که می تواند هیجان خود را شناسایی کرده و پیش از واکنش رفتاری آن را تنظیم کند، احتمال بیشتری دارد که از راهبردهای سازگارانه مانند گفت و گو، حل مسئله یا فاصله گرفتن موقت از موقعیت استفاده کند. در مقابل، ضعف در تنظیم هیجان ممکن است احتمال تبدیل هیجان شدید به واکنش تکانشی و پرخاشگرانه را افزایش دهد (اقبال زاده و بیرامی، ۱۴۰۳). پژوهش های جدید در حوزه تنظیم هیجان نشان می دهند که مسئله تنها «کنترل کردن» هیجان نیست، بلکه انعطاف پذیری در تنظیم هیجان نیز اهمیت دارد. به عبارت دیگر، نوجوان باید بتواند متناسب با شرایط مختلف از راهبرد مناسب استفاده کند و در صورت ناکارآمد بودن یک راهبرد، آن را تغییر دهد. مرور نظام مند Haag و همکاران نشان داده است که انعطاف پذیری تنظیم هیجان در نوجوانی مفهومی مهم و چندبعدی است و بررسی آن می تواند در شناخت بهتر تفاوت های نوجوانان در نحوه پاسخ به موقعیت های هیجانی مؤثر باشد. (Haag et al., ۲۰۲۴) خانواده نیز یکی از بنیادی ترین محیط های مؤثر بر رشد رفتار نوجوان است. نوجوان نخستین الگوهای ارتباطی، حل تعارض و ابراز هیجان را در خانواده تجربه می کند. هنگامی که ارتباط والدین و فرزندان مبتنی بر حمایت، پذیرش، گفت و گو و مرزبندی مناسب باشد، نوجوان فرصت بیشتری برای یادگیری شیوه های سازگارانه تعامل پیدا می کند. در مقابل، تعارض های شدید، کنترل افراطی، طرد، بی توجهی یا استفاده از روش های خشن تربیتی می توانند زمینه افزایش مشکلات رفتاری را فراهم کنند. یافته های پژوهش های داخلی نیز ارتباط میان عملکرد خانواده، کیفیت تعامل والد - فرزند و پرخاشگری نوجوانان را مورد توجه قرار داده اند. (نیاززاده و علی زاده، ۱۴۰۴) سبک فرزندپروری نیز از طریق میزان کنترل، حمایت، پذیرش و نحوه اعمال قوانین می تواند بر رفتار نوجوان اثر بگذارد. والدینی که قوانین روشن و قابل پیش بینی ایجاد می کنند و در عین حال فرصت گفت و گو و استقلال متناسب با سن را برای نوجوان فراهم می سازند، می توانند به رشد خودکنترلی و مسئولیت پذیری کمک کنند. در مقابل، کنترل افراطی یا فقدان نظارت و مرزبندی ممکن است شرایطی ایجاد کند که نوجوان در مدیریت رفتار و تعارض با دشواری بیشتری مواجه شود. پژوهش مرادی گلریز و مرزبان نیز رابطه سبک های فرزندپروری با پرخاشگری و هوش هیجانی نوجوانان پسر را مورد بررسی قرار داده است و بر اهمیت این عامل خانوادگی تأکید می کند. (مرادی گلریز و مرزبان، ۱۴۰۵) کیفیت روابط میان والدین نیز می تواند به طور غیرمستقیم بر رفتار نوجوان اثرگذار باشد. تعارض های مداوم میان والدین ممکن است محیط هیجانی خانواده را متشنج کرده و احساس امنیت نوجوان را کاهش دهد. هنگامی که نوجوان به طور مکرر شاهد مشاجره، خصومت یا ارتباط ناکارآمد والدین است، ممکن است برخی الگوهای ارتباطی را یاد بگیرد یا در معرض فشار هیجانی بیشتری قرار گیرد. از این منظر، تعارضات زناشویی والدین نه تنها مسئله ای مربوط به رابطه زوجین، بلکه عاملی مرتبط با فضای روان شناختی خانواده و در نتیجه رفتار نوجوان است. (همایون فر و همکاران، ۱۴۰۴) در کنار خانواده، مدرسه نیز یکی از مهم ترین محیط های اجتماعی زندگی نوجوان است. نوجوان بخش قابل توجهی از روز خود را در مدرسه سپری می کند و کیفیت رابطه او با معلمان و همسالان می تواند احساس امنیت، تعلق و ارزشمندی او را تحت تأثیر قرار دهد. مدرسه ای که در آن روابط حمایتگر، قوانین روشن، احساس عدالت و فرصت مشارکت وجود داشته باشد، می تواند محیط مناسبی برای رشد مهارت های اجتماعی و هیجانی باشد. در مقابل، محیط های مدرسه ای همراه با تعارض، طرد اجتماعی، قلدری یا فقدان حمایت می توانند فشار روانی و رفتارهای ناسازگارانه را افزایش دهند. پژوهش حجتی و همکاران نیز نقش جو مدرسه و دلبستگی به مدرسه را در مدل مرتبط با پرخاشگری نوجوانان مورد توجه قرار داده است. (حسن پور و همکاران، ۱۴۰۴) روابط با همسالان نیز در نوجوانی اهمیت بیشتری پیدا می کند. نوجوان در این دوره نیاز بیشتری به پذیرش اجتماعی و تعلق به گروه پیدا می کند و ممکن است برای پذیرفته شدن، از رفتارها و هنجارهای گروه خود تأثیر بگیرد. اگر در یک گروه همسال، پرخاشگری به عنوان نشانه قدرت، شجاعت یا راهی برای کسب جایگاه اجتماعی تلقی شود، احتمال یادگیری و تکرار آن افزایش می یابد. در مقابل، روابط دوستانه سالم می توانند منبع حمایت اجتماعی باشند و نوجوان را در مدیریت هیجان و حل تعارض یاری کنند. بنابراین، کیفیت روابط همسالان باید در کنار روابط



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 Septembre 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

خانوادگی و مدرسه‌ای مورد توجه قرار گیرد. (قائم مقامی و همکاران، ۱۴۰۵) از دیگر عوامل مرتبط با پرخاشگری، فشارها و تنیدگی‌های تحصیلی است. نوجوان ممکن است در معرض حجم زیاد تکالیف، امتحانات، رقابت تحصیلی، انتظارات والدین و نگرانی درباره آینده قرار داشته باشد. اگر منابع مقابله‌ای نوجوان برای مدیریت این فشارها کافی نباشد، ممکن است استرس به شکل تحریک‌پذیری، خشم یا رفتارهای ناسازگارانه ظاهر شود. پژوهش نیاززاده و علی‌زاده نیز با بررسی هم‌زمان کارکرد خانواده، کیفیت تعامل مادر - فرزند و تنیدگی تحصیلی، بر اهمیت بررسی مجموعه عوامل خانوادگی و تحصیلی در تبیین پرخاشگری نوجوانان تأکید کرده است. (نیاززاده و علی‌زاده، ۱۴۰۴)

پیشینه پژوهش داخلی

پژوهش‌های داخلی انجام‌شده درباره پرخاشگری نوجوانان عمدتاً بر عوامل خانوادگی، هیجانی، فردی، تحصیلی و اجتماعی تمرکز داشته‌اند. مرور این مطالعات نشان می‌دهد که در پژوهش‌های ایرانی نیز مانند مطالعات خارجی، پرخاشگری به‌عنوان پدیده‌ای چندبعدی در نظر گرفته شده است و پژوهشگران تلاش کرده‌اند نقش عوامل مختلف را در پیش‌بینی یا کاهش آن بررسی کنند. یکی از مطالعات مهم داخلی، پژوهش نیاززاده و علی‌زاده (۱۴۰۴) است که با هدف پیش‌بینی پرخاشگری بر اساس کارکرد خانواده، کیفیت تعامل مادر - فرزند و تنیدگی تحصیلی در نوجوانان شهر اهواز انجام شده است. اهمیت این پژوهش در توجه هم‌زمان به سه حوزه مهم است: ساختار و عملکرد خانواده، رابطه مستقیم نوجوان با مادر و فشارهای تحصیلی. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که برای فهم رفتار پرخاشگرانه نوجوان، لازم است شرایط خانوادگی و تحصیلی او نیز مورد توجه قرار گیرد. این یافته با دیدگاه چندعاملی درباره پرخاشگری هماهنگ است و نشان می‌دهد که رفتار نوجوان در ارتباط با محیط‌های مهم زندگی او شکل می‌گیرد. (نیاززاده و علی‌زاده، ۱۴۰۴) پژوهش حجتی و همکاران (۱۴۰۲) نیز از مطالعات مهم داخلی در این حوزه است که پرخاشگری در مدرسه را بر اساس عملکرد خانواده، روان‌رنجورخویی و جو مدرسه بررسی کرده و متغیرهایی مانند باور به پرخاشگری، همدلی و دلبستگی به مدرسه را نیز در مدل خود مورد توجه قرار داده است. اهمیت این پژوهش در آن است که پرخاشگری را صرفاً به یک ویژگی فردی نسبت نمی‌دهد و مجموعه‌ای از عوامل فردی، خانوادگی و مدرسه‌ای را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد. این رویکرد نشان می‌دهد که برای شناخت دقیق رفتار پرخاشگرانه نوجوان باید هم ویژگی‌های درونی فرد و هم محیط‌های رشد او بررسی شوند. (حجتی و همکاران، ۱۴۰۲) در پژوهش کمالی ایگلی و همکاران (۱۳۹۶)، پرخاشگری دختران نوجوان بر اساس فرایندهای ارتباطی خانواده و کمال‌گرایی با میانجی‌گری تنظیم شناختی هیجان بررسی شده است. این مطالعه از این جهت اهمیت دارد که علاوه بر بررسی عوامل خانوادگی و شخصیتی، نقش یک سازوکار هیجانی - شناختی را نیز در ارتباط میان متغیرها مورد توجه قرار داده است. قرار دادن تنظیم شناختی هیجان در مدل نشان می‌دهد که ممکن است شرایط خانوادگی یا ویژگی‌های شخصیتی مستقیماً به رفتار پرخاشگرانه منجر نشوند، بلکه بخشی از تأثیر آن‌ها از طریق نحوه پردازش و تنظیم هیجان در نوجوان منتقل شود. (کمالی ایگلی و همکاران، ۱۳۹۶) در سال‌های اخیر، پژوهش‌های داخلی بیشتری به مداخلات و راهکارهای کاهش پرخاشگری پرداخته‌اند. اقبالی‌زاده و بیرامی (۱۴۰۳) در یک مطالعه مروری نظام‌مند، مداخلات مؤثر بر تنظیم هیجانی و پرخاشگری نوجوانان را بررسی کردند. اهمیت چنین پژوهشی در آن است که تمرکز را از شناسایی عوامل خطر به سمت شناسایی راه‌های مداخله منتقل می‌کند. یافته‌های این حوزه نشان می‌دهد که تنظیم هیجان می‌تواند یکی از محورهای مهم برنامه‌های پیشگیرانه و درمانی برای کاهش رفتارهای پرخاشگرانه باشد. (اقبالی‌زاده و بیرامی، ۱۴۰۳) در مطالعه حسن‌پور و همکاران (۱۴۰۴) نیز تأثیر تربیت همدلانه بر کاهش رفتارهای پرخاشگرانه مورد توجه قرار گرفته است. پرداختن به همدلی از این جهت اهمیت دارد که رفتار پرخاشگرانه اغلب با کاهش توجه به هیجان‌ها و دیدگاه فرد مقابل همراه می‌شود. تقویت توانایی نوجوان برای درک احساسات و دیدگاه دیگران می‌تواند به کاهش واکنش‌های خصمانه و افزایش رفتارهای اجتماعی سازگارانه کمک کند. بنابراین، آموزش همدلی می‌تواند در کنار آموزش تنظیم هیجان و حل



ICPSE
2026

تعارض، یکی از مؤلفه های مهم برنامه های پیشگیری از پرخاشگری باشد. (حسن پور و همکاران، ۱۴۰۴) در حوزه عوامل خانوادگی، همایون فر و همکاران (۱۴۰۴) نقش تعارضات زناشویی والدین را در پیش بینی رفتارهای پرخاشگرانه نوجوانان در محیط مدرسه بررسی کردند. این پژوهش اهمیت فضای هیجانی خانواده را برجسته می کند؛ زیرا نوجوان تنها از طریق رابطه مستقیم والدین با خود تحت تأثیر قرار نمی گیرد، بلکه تعاملات میان والدین و کیفیت رابطه زوجین نیز می تواند محیط روانی خانواده را شکل دهد. وجود تعارضات مداوم میان والدین ممکن است احساس امنیت نوجوان را کاهش داده و زمینه آسیب پذیری رفتاری او را افزایش دهد. (همایون فر و همکاران، ۱۴۰۴) همچنین سرائی (۱۴۰۵) به بررسی رابطه تعارض های خانوادگی با پرخاشگری نوجوانان و نقش مداخلات مشاوران مدرسه پرداخته است. این مطالعه از این نظر قابل توجه است که دو محیط خانواده و مدرسه را به یکدیگر پیوند می دهد. نوجوانی که در خانواده با تعارض های شدید مواجه است، ممکن است آثار این فشار را در محیط مدرسه نیز نشان دهد؛ بنابراین، مشاور مدرسه می تواند در شناسایی زودهنگام مشکلات و ایجاد ارتباط میان خانواده و خدمات روان شناختی نقش مهمی داشته باشد. (سرائی، ۱۴۰۵) در زمینه سبک فرزند پروری والدین در نوجوانان پسر پرداخته اند. توجه هم زمان به پرخاشگری و هوش هیجانی در این پژوهش بر اساس سبک های فرزند پروری والدین در نوجوانان پسر پرداخته اند. توجه هم زمان به پرخاشگری و هوش هیجانی در این پژوهش اهمیت دارد؛ زیرا می توان فرض کرد که شیوه برخورد والدین نه تنها مستقیماً بر رفتار نوجوان، بلکه بر مهارت های هیجانی و توانایی او برای مدیریت موقعیت های تنش زا نیز اثرگذار است. (مرادی گلریز و مرزبان، ۱۴۰۵) در زمینه عوامل فردی و سبک زندگی، هاشمی تبار و ملک خانی (۱۴۰۵) رابطه اعتیاد به بازی های رایانه ای و انسجام هویت را با پرخاشگری نوجوانان بررسی کرده اند. این مطالعه نشان می دهد که در کنار عوامل سنتی مانند خانواده و مدرسه، متغیرهای مرتبط با فناوری و هویت یابی نوجوان نیز می توانند موضوع پژوهش قرار گیرند. در شرایطی که فناوری و بازی های دیجیتال بخش قابل توجهی از زندگی نوجوانان را تشکیل می دهند، بررسی ارتباط آن ها با رفتارهای پرخطر و پرخاشگرانه می تواند برای شناخت شرایط جدید رشد نوجوان اهمیت داشته باشد. (هاشمی تبار و ملک خانی، ۱۴۰۵) قائم مقامی و همکاران (۱۴۰۵) نیز عوامل مؤثر بر بروز رفتارهای پرخطر و پرخاشگرانه در میان دانش آموزان دوره متوسطه را بررسی کرده اند. قرار دادن پرخاشگری در کنار سایر رفتارهای پرخطر نشان می دهد که این رفتار گاهی می تواند بخشی از مجموعه گسترده تری از مشکلات رفتاری نوجوان باشد. از این رو، در ارزیابی نوجوان پرخاشگر باید احتمال وجود سایر عوامل خطر و مشکلات رفتاری نیز مورد توجه قرار گیرد. (قائم مقامی و همکاران، ۱۴۰۵)

پیشینه پژوهش خارجی

در پژوهش های خارجی نیز پرخاشگری کودکان و نوجوانان به عنوان پدیده ای چندعاملی مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از محورهای مهم این مطالعات، نقش فرایندهای هیجانی و به ویژه تنظیم هیجان است. (Haaget al, 2024) در یک مرور نظام مند، مفهوم انعطاف پذیری تنظیم هیجان در نوجوانان را بررسی کردند. نتایج این مرور نشان می دهد که تنظیم هیجان فرایندی پویا است و توانایی نوجوان برای انتخاب و تغییر راهبردهای تنظیم هیجان متناسب با موقعیت اهمیت دارد. این یافته برای فهم پرخاشگری مهم است، زیرا واکنش نوجوان به یک موقعیت تنش زا صرفاً به شدت هیجان او وابسته نیست، بلکه به توانایی او در تنظیم و تغییر پاسخ نیز مربوط می شود. در پژوهشی مروری دیگر، (Moore et al, 2024) رابطه هیجان های مثبت با رفتارهای ضد اجتماعی در کودکان و نوجوانان را بررسی کردند. این مطالعه نشان می دهد که رابطه میان هیجان و رفتارهای ضد اجتماعی پیچیده است و نمی توان رفتارهای پرخاشگرانه را فقط به هیجان های منفی مانند خشم نسبت داد. این یافته اهمیت بررسی زمینه ای را که هیجان در آن تجربه و به رفتار تبدیل می شود برجسته می کند و نشان می دهد که فرایندهای هیجانی باید در ارتباط با ویژگی های فردی و اجتماعی نوجوان مورد بررسی قرار گیرند. از سوی دیگر، بخش مهمی از پژوهش های خارجی به اثربخشی مداخلات برای کاهش پرخاشگری پرداخته اند. (Shen et al, 2024) در یک مرور نظام مند و فراتحلیل، اثربخشی برنامه های مدرسه محور برای کاهش رفتارهای پرخاشگرانه کودکان



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 Septembre 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

و نوجوانان ارا بررسی کردند. اهمیت این مطالعه در آن است که مدرسه را نه فقط محیطی برای بروز پرخاشگری، بلکه محیطی بالقوه برای پیشگیری و مداخله در نظر می گیرد. چنین برنامه هایی می توانند از طریق آموزش مهارت های اجتماعی و هیجانی، حل مسئله، مدیریت تعارض و ایجاد محیط مدرسه ای حمایتگر به کاهش رفتارهای پرخاشگرانه کمک کنند. (Jiang et al, 2024) نیز در یک مرور نظام مند و فراتحلیل، اثربخشی برنامه های جامعه محور برای کاهش رفتارهای پرخاشگرانه کودکان و نوجوانان را بررسی کردند. این پژوهش اهمیت مداخلات خارج از محیط مدرسه را نشان می دهد و بیانگر آن است که پیشگیری از پرخاشگری نباید تنها در کلاس درس یا جلسات فردی روان شناختی دنبال شود، بلکه محیط اجتماعی گسترده تر نوجوان نیز می تواند در طراحی برنامه های مداخله ای مورد توجه قرار گیرد. مطالعه آنان ۱۶ پژوهش و مجموعاً ۲۵۸۵ شرکت کننده را دربر گرفت و بر نقش برنامه های جامعه محور در کاهش رفتارهای پرخاشگرانه تأکید کرد. از این منظر، میتوان میان یافته های مطالعات داخلی و خارجی نوعی همگرایی مشاهده کرد. مطالعات داخلی بر اهمیت خانواده، تنظیم هیجان، مدرسه، همسالان و عوامل سبک زندگی تأکید دارند و مطالعات خارجی نیز علاوه بر عوامل فردی و اجتماعی، شواهد مداخله ای مربوط به برنامه های مدرسه محور و جامعه محور را تقویت کرده اند. بنابراین، پرخاشگری را می توان رفتاری دانست که برای پیشگیری و کاهش آن باید چند سطح مختلف از زندگی نوجوان مورد توجه قرار گیرد. یکی دیگر از مطالعات مهم خارجی، پژوهش (Wang et al, 2024) است که اثربخشی مداخلات فراگیر و مدرسه محور را برای ارتقای سلامت روان و بهزیستی هیجانی کودکان و نوجوانان بررسی کرده است. نتایج این مرور نظام مند نشان داد که مداخلات مدرسه محور فراگیر، در مجموع اثرات کوچک تا متوسطی بر طیف وسیعی از شاخص های سلامت روان دارند. اهمیت این یافته برای موضوع پرخاشگری آن است که برنامه های مدرسه ای می توانند به جای تمرکز صرف بر یک رفتار خاص، مهارت های عمومی مرتبط با سلامت روان، تنظیم هیجان و سازگاری اجتماعی را تقویت کنند. در این مطالعه همچنین مشخص شد که مداخلات مدرسه محور می توانند با هدف ارتقای سلامت روان یا پیشگیری از مشکلات روان شناختی طراحی شوند و در این برنامه ها نقش معلمان و متخصصان سلامت روان نیز مورد توجه قرار می گیرد. این مسئله برای پیشگیری از پرخاشگری اهمیت زیادی دارد؛ زیرا اجرای برنامه های پیشگیرانه در مدرسه می تواند امکان دسترسی گسترده تر به نوجوانان را فراهم کند و به جای انتظار برای شدید شدن رفتار مشکل زا، عوامل خطر را در مراحل اولیه هدف قرار دهد. در مجموع، پیشینه خارجی نشان می دهد که پژوهش های جدید از یک نگاه صرفاً فردمحور به سمت رویکردهای چندسطحی حرکت کرده اند. در این رویکرد، تنظیم هیجان و ویژگی های فردی نوجوان در کنار خانواده، مدرسه، گروه همسالان و جامعه قرار می گیرند و مداخلات نیز در بیش از یک سطح طراحی می شوند. این جهت گیری با یافته های پژوهش های داخلی همخوانی دارد و می تواند مبنایی برای طراحی مدل جامع تری از عوامل مؤثر بر پرخاشگری نوجوانان باشد. با جمع بندی مطالعات داخلی و خارجی می توان گفت که چهار محور اصلی در تبیین پرخاشگری نوجوانان برجسته هستند. محور نخست، عوامل فردی و هیجانی شامل تنظیم هیجان، انعطاف پذیری تنظیم هیجان، همدلی، هوش هیجانی، ویژگی های شخصیتی و انسجام هویت است. محور دوم، عوامل خانوادگی شامل عملکرد خانواده، کیفیت تعامل والد - فرزند، سبک فرزندپروری و تعارضات خانوادگی است. محور سوم، عوامل مدرسه ای و اجتماعی شامل جو مدرسه، دلبستگی به مدرسه، روابط همسالان و نقش مشاوران است و محور چهارم، عوامل جدید و سبک زندگی مانند بازی های رایانه ای و شرایط اجتماعی جدید را دربر می گیرد. (هاشمی تبار و ملک خانی، ۱۴۰۵) از سوی دیگر، مطالعات مداخله ای نشان می دهند که بسیاری از این عوامل قابلیت تغییر دارند. برای مثال، می توان تنظیم هیجان، همدلی، مهارت های حل تعارض و مهارت های اجتماعی را آموزش داد؛ کیفیت ارتباط والد - فرزند را بهبود بخشید؛ والدین را با شیوه های فرزندپروری مناسب تر آشنا کرد، و در مدرسه برنامه هایی برای پیشگیری از قلدری و تقویت سلامت روان اجرا کرد. شواهد حاصل از مطالعات خارجی درباره برنامه های مدرسه محور و جامعه محور نیز از این رویکرد چندسطحی حمایت می کنند. (Wang et al., 2024; Jiang et al., 2024; Shen et al., 2024)



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 Septembre 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

بیان مسئله

پرخاشگری در دوران نوجوانی یکی از مهم ترین جلوه های رفتارهای مسئله ساز است که می تواند در قالب رفتارهای کلامی، فیزیکی، رابطه ای و اجتماعی بروز پیدا کند و بر کیفیت روابط نوجوان با خانواده، همسالان، معلمان و سایر اعضای جامعه اثر بگذارد. اگرچه بروز برخی رفتارهای مقابله ای و هیجانی در دوره نوجوانی می تواند با ویژگی های رشدی این دوره ارتباط داشته باشد، اما هنگامی که رفتارهای پرخاشگرانه از نظر شدت، تکرار و پیامدهای خود افزایش پیدا می کنند، می توانند به عاملی برای اختلال در سازگاری فردی و اجتماعی نوجوان تبدیل شوند. از این رو، پرخاشگری نوجوانان را نمی توان صرفاً یک واکنش لحظه ای یا مشکل رفتاری محدود در نظر گرفت؛ بلکه باید آن را پدیده ای چندعاملی دانست که تحت تأثیر تعامل عوامل فردی، خانوادگی، مدرسه ای و اجتماعی شکل می گیرد و تداوم می یابد (نیاززاده و علی زاده، ۱۴۰۴؛ عبدلی و همکاران، ۱۴۰۵). یکی از مهم ترین ویژگی های پرخاشگری نوجوانان، ماهیت چندبعدی و پیچیده آن است. نوجوان در مرحله ای از رشد قرار دارد که همزمان با تغییرات زیستی و هیجانی، با تحولات شناختی، اجتماعی و هویتی نیز مواجه است. در چنین شرایطی، نحوه شناخت و تفسیر موقعیت های اجتماعی، توانایی تنظیم هیجان، کیفیت روابط خانوادگی، تجربه های مدرسه ای و حتی الگوهای رفتاری مشاهده شده در محیط می توانند بر چگونگی واکنش نوجوان در موقعیت های تعارض آمیز تأثیر بگذارند. بنابراین، تمرکز صرف بر «کنترل خشم» بدون توجه به زمینه هایی که خشم و رفتار پرخاشگرانه در آن شکل می گیرد، نمی تواند پاسخ کاملی برای مسئله پرخاشگری نوجوانان فراهم کند (کمالی ایگلی و همکاران، ۱۳۹۶؛ محمودی تاج الدین و همکاران، ۱۴۰۴). در میان عوامل مؤثر، خانواده جایگاه ویژه ای دارد. خانواده نخستین محیطی است که کودک و نوجوان در آن الگوهای ارتباطی، شیوه حل تعارض، نحوه ابراز هیجان و چگونگی برخورد با محدودیت ها و ناکامی ها را می آموزد. زمانی که ارتباطات خانوادگی با تعارض مداوم، ضعف در تعامل والد - فرزند، تنش، نبود حمایت عاطفی یا شیوه های ناکارآمد برخورد با مشکلات همراه باشد، احتمال شکل گیری الگوهای ناسازگارانه رفتاری در نوجوان افزایش می یابد. پژوهش نیاززاده و علی زاده (۱۴۰۴) نیز با بررسی نوجوانان شهر اهواز نشان داد که کارکرد خانواده، کیفیت تعامل مادر - فرزند و تنیدگی تحصیلی با پرخاشگری نوجوانان ارتباط دارند. این یافته اهمیت بررسی همزمان محیط خانوادگی و فشارهای مرتبط با زندگی تحصیلی نوجوان را نشان می دهد. در همین راستا، تعارضات خانوادگی می توانند محیط عاطفی نامناسبی ایجاد کنند که در آن نوجوان به تدریج الگوهای پرخاشگرانه را به عنوان یکی از شیوه های پاسخ دهی به تعارض تجربه یا یادگیری کند. هنگامی که نوجوان به طور مکرر شاهد مشاجره، پرخاشگری کلامی یا روابط ناسالم میان اعضای خانواده باشد، ممکن است این الگوها را به سایر روابط خود نیز تعمیم دهد. بنابراین، بررسی پرخاشگری نوجوانان بدون توجه به کیفیت روابط خانوادگی، تصویر ناقصی از عوامل زمینه ساز این رفتار ارائه خواهد کرد. یافته های پژوهش های داخلی نیز بر نقش تعارضات خانوادگی و روابط والدین در رفتارهای پرخاشگرانه نوجوانان تأکید کرده اند (سرائی، ۱۴۰۵؛ همایون فر و همکاران، ۱۴۰۴). از سوی دیگر، شیوه فرزندپروری نیز می تواند در شکل گیری یا کاهش رفتارهای پرخاشگرانه نقش داشته باشد. والدینی که در تعامل با نوجوان از شیوه های افراطی، کنترل گرانه، خشن یا ناهماهنگ استفاده می کنند، ممکن است فرصت کافی برای یادگیری خودتنظیمی، گفت و گو و حل مسئله را در اختیار فرزند خود قرار ندهند. در مقابل، فرزندپروری همراه با حمایت، همدلی، پذیرش و تعیین حدود روشن می تواند به نوجوان کمک کند تا هیجان های خود را به شیوه ای سازگارانه تر مدیریت کند. در پژوهشی که به بررسی پرخاشگری و هوش هیجانی بر اساس سبک های فرزندپروری در نوجوانان پسر پرداخته است نیز بر ارتباط میان سبک تعامل والدین و ویژگی های هیجانی و رفتاری نوجوان تأکید شده است (مرادی گلریز و مرزبان، ۱۴۰۵). همچنین یافته های مربوط به تربیت همدلانه نشان می دهد که توجه به کیفیت ارتباط والد و نوجوان و تقویت همدلی می تواند در کاهش رفتارهای پرخاشگرانه مورد توجه قرار گیرد (حسن پور و همکاران، ۱۴۰۴). عامل مهم دیگر، تنظیم هیجان است. نوجوانی دوره ای است که فرد با هیجان های شدید و متنوعی مواجه می شود و در عین حال، مهارت های لازم برای مدیریت این هیجان ها هنوز در حال رشد و تثبیت هستند. هنگامی که نوجوان قادر نباشد خشم، ناکامی، اضطراب یا احساس تهدید را به شکل مناسب شناسایی



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 Septembre 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

و تنظیم کند، ممکن است هیجان خود را به شکل رفتار پرخاشگرانه بروز دهد. در واقع، مسئله اصلی در بسیاری از موارد تنها «وجود خشم» نیست، بلکه ناتوانی در مدیریت و هدایت آن است. کمالی ایگلی و همکاران (۱۳۹۶) نیز در بررسی پرخاشگری دختران نوجوان، نقش فرایندهای ارتباطی خانواده و کمال گرایی را با میانجی گری تنظیم شناختی هیجان مورد توجه قرار داده اند؛ موضوعی که نشان می دهد رفتار پرخاشگرانه را باید در ارتباط با فرایندهای شناختی و هیجانی نوجوان تحلیل کرد. اهمیت تنظیم هیجان در مطالعات خارجی نیز مورد توجه قرار گرفته است. (Haag et al. ۲۰۲۴) در مرور نظام مند خود بر انعطاف پذیری تنظیم هیجان در نوجوانان تأکید کرده اند و نشان داده اند که تنظیم هیجان صرفاً به توانایی کاهش یک هیجان منفی محدود نمی شود، بلکه توانایی فرد برای انتخاب و تغییر راهبردهای تنظیم هیجان متناسب با شرایط مختلف اهمیت دارد. بر این اساس، نوجوانی که تنها از یک راهبرد ثابت برای مواجهه با ناکامی، تعارض یا خشم استفاده می کند، ممکن است در موقعیتهایی که آن راهبرد کارآمد نیست، آسیب پذیرتر باشد. بنابراین، برنامه های مداخله ای مربوط به پرخاشگری باید علاوه بر آموزش کنترل خشم، انعطاف پذیری هیجانی و مهارت انتخاب راهبرد مناسب را نیز مورد توجه قرار دهند. از سوی دیگر، رابطه میان هیجان های مثبت و رفتارهای ضد اجتماعی نیز نشان می دهد که رفتارهای مسئله ساز همیشه صرفاً از هیجان های منفی ناشی نمی شوند. (Moore et al. ۲۰۲۴) در یک مرور نظام مند، رابطه میان هیجان مثبت و رفتارهای ضد اجتماعی در کودکان و نوجوانان را بررسی کردند و نشان دادند که رابطه هیجان و رفتارهای ضد اجتماعی پیچیده تر از آن است که بتوان آن را تنها به خشم و هیجان های منفی تقلیل داد. این موضوع اهمیت بررسی تجربه هیجانی نوجوان، معنایی که او برای رفتار خود قائل است و پیامدهایی که از رفتار دریافت می کند را برجسته می کند. محیط مدرسه نیز یکی دیگر از زمینه های مهم شکل گیری و تداوم پرخاشگری است. نوجوان بخش قابل توجهی از زمان خود را در مدرسه سپری می کند و کیفیت روابط او با معلمان، همسالان و نظام مدرسه می تواند بر رفتار و سازگاری وی اثرگذار باشد. جو نامناسب مدرسه، احساس تعلق پایین، ضعف ارتباط با معلمان، تعارض با همسالان و نبود حمایت اجتماعی می توانند شرایطی ایجاد کنند که رفتارهای پرخاشگرانه افزایش یابند. حجتی و همکاران (۱۴۰۲) در مدلیابی پرخاشگری در مدرسه، عملکرد خانواده، روان رنجور خویی و جو مدرسه را مورد توجه قرار دادند و نقش متغیرهایی مانند باور به پرخاشگری، همدلی و دلبستگی به مدرسه را نیز بررسی کردند. این رویکرد نشان می دهد که پرخاشگری در مدرسه را نمی توان تنها به ویژگی های شخصیتی نوجوان نسبت داد، بلکه باید تعامل فرد با محیط مدرسه و نظام باورها و روابط اجتماعی او نیز مورد توجه قرار گیرد. در این میان، باورهای نوجوان درباره پرخاشگری اهمیت ویژه ای دارند. اگر نوجوان پرخاشگری را رفتاری قابل قبول، نشانه قدرت یا راهی مؤثر برای حل تعارض بداند، احتمال بیشتری دارد که در موقعیتهای مختلف از این رفتار استفاده کند. در مقابل، اگر نوجوان بتواند پیامدهای منفی پرخاشگری را تشخیص دهد و راهبردهای جایگزین برای حل تعارض در اختیار داشته باشد، احتمال استفاده از رفتارهای پرخاشگرانه کاهش خواهد یافت. از این رو، مداخلات مؤثر باید علاوه بر رفتار آشکار، شناختها، باورها و نگرش های مرتبط با پرخاشگری را نیز هدف قرار دهند. عامل دیگری که در سال های اخیر توجه بیشتری را به خود جلب کرده، استفاده گسترده نوجوانان از بازی های رایانه ای و رسانه های دیجیتال است. استفاده از بازی های رایانه ای به خودی خود نمی تواند به عنوان علت مستقیم پرخاشگری در نظر گرفته شود، زیرا نوع بازی، میزان استفاده، ویژگی های فردی نوجوان، شرایط خانوادگی و نحوه تعامل او با محیط دیجیتال می توانند در پیامدهای رفتاری نقش داشته باشند. با این حال، بررسی رابطه اعتیاد به بازی های رایانه ای با پرخاشگری و انسجام هویت در نوجوانان نشان می دهد که این حوزه نیز می تواند در مطالعات مربوط به رفتارهای پرخاشگرانه مورد توجه قرار گیرد (هاشمی تبار و ملک خانی، ۱۴۰۵). بنابراین، می توان گفت پرخاشگری نوجوانان حاصل یک عامل منفرد نیست، بلکه از تعامل مجموعه ای از عوامل فردی، خانوادگی، هیجانی، تحصیلی، مدرسه ای و اجتماعی شکل می گیرد. در سطح فردی، تنظیم هیجان، ویژگی های شخصیتی و انسجام هویت اهمیت دارند؛ در سطح خانواده، کارکرد خانواده، سبک فرزند پروری، کیفیت تعامل والد - فرزند و تعارضات خانوادگی مطرح هستند؛ در سطح مدرسه، دلبستگی به مدرسه و روابط با همسالان و معلمان اهمیت پیدا می کنند و در سطح اجتماعی نیز شرایط محیطی، حمایت اجتماعی و برنامه های پیشگیرانه می توانند نقش داشته باشند (محمودی تاج الدین و همکاران، ۱۴۰۴). از منظر مداخله ای نیز شواهد



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان- ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 Septembre 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

موجود بر ضرورت حرکت از رویکردهای تک بعدی به سمت مداخلات چندسطحی تأکید دارند. پژوهش (Shen et al., ۲۰۲۴) در بررسی نظام مند و فراتحلیل برنامه های مدرسه محور، اهمیت مداخلات مبتنی بر محیط مدرسه را در کاهش رفتارهای پرخطرانه کودکان و نوجوانان مورد توجه قرار داده است. همچنین (Jiang et al., ۲۰۲۴) در یک مرور نظام مند و فراتحلیل، ۱۶ مطالعه با مجموع ۲۵۸۵ شرکت کننده را بررسی کردند و اثر مثبت معناداری برای برنامه های جامعه محور در کاهش رفتار پرخطرانه گزارش کردند؛ در این برنامه ها مؤلفه هایی مانند آموزش مهارت های رفتاری، حل مسئله، درمان روان شناختی و نظارت اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته بود. از این منظر، پیشگیری و کاهش پرخاشگری زمانی می تواند اثربخشی بیشتری داشته باشد که همزمان نوجوان، خانواده، مدرسه و جامعه را دربرگیرد. (Wang et al., ۲۰۲۴) نیز در مرور نظام مند مداخلات فراتشخیصی مدرسه محور، بر اهمیت برنامه هایی تأکید کرده اند که به جای تمرکز بر یک نشانه یا مشکل منفرد، مجموعه ای از مهارت های مرتبط با سلامت روان و بهزیستی هیجانی نوجوانان را هدف قرار می دهند. چنین رویکردی می تواند در زمینه پرخاشگری نیز کاربرد داشته باشد، زیرا بسیاری از عوامل مرتبط با پرخاشگری، از جمله مشکلات تنظیم هیجان، ضعف مهارت های اجتماعی و مشکلات ارتباطی، با سایر ابعاد سلامت روان نوجوان ارتباط دارند. در نتیجه، مسئله اساسی این است که پرخاشگری نوجوانان باید نه صرفاً به عنوان یک رفتار نامطلوب که نیازمند حذف است، بلکه به عنوان یک پیام رفتاری و روان شناختی مورد بررسی قرار گیرد. شناسایی عواملی که در شکل گیری، تشدید و تداوم این رفتار نقش دارند می تواند زمینه طراحی برنامه های پیشگیرانه و مداخلات مؤثرتر را فراهم کند. پژوهش های داخلی موجود بر اهمیت خانواده، سبک های فرزند پروری، تنظیم هیجان، تعارضات خانوادگی، محیط مدرسه، هوش هیجانی و سایر عوامل مرتبط تأکید دارند و مطالعات خارجی نیز بر اثربخشی مداخلات مدرسه محور، جامعه محور و برنامه های تقویت سلامت روان و تنظیم هیجان تأکید کرده اند (کمالی ایگلی و همکاران، ۱۳۹۶؛ نیاززاده و علی زاده، ۱۴۰۴؛ Shen et al., ۲۰۲۴؛ Jiang et al., ۲۰۲۴). بنابراین، ضرورت دارد رویکردی جامع برای پیشگیری و مداخله در پرخاشگری نوجوانان اتخاذ شود؛ رویکردی که از یک سو عوامل فردی و هیجانی نوجوان را مورد توجه قرار دهد و از سوی دیگر، خانواده، مدرسه و محیط اجتماعی او را در فرایند مداخله دخیل کند. چنین نگرشی می تواند به جای برخورد صرفاً تنبیهی با رفتار پرخاشگرانه، به شناسایی ریشه های آن، تقویت عوامل محافظتی و آموزش مهارت های سازگارانه منجر شود. در نهایت، هدف اصلی باید کمک به نوجوان برای دستیابی به شیوه های سالم تر ابراز هیجان، حل تعارض، برقراری ارتباط و مواجهه با ناکامی باشد؛ زیرا کاهش پایدار پرخاشگری زمانی امکان پذیر است که جایگزین های رفتاری مناسب نیز به نوجوان آموزش داده شوند.

راهکارهای پیشنهادی برای پیشگیری و کاهش پرخاشگری نوجوانان

۱. آموزش تنظیم هیجان و مدیریت خشم

یکی از مهم ترین راهکارها، آموزش مهارت های تنظیم هیجان به نوجوانان است. نوجوان باید بتواند هیجان خود را پیش از رسیدن به مرحله رفتار پرخاشگرانه شناسایی کند، محرک های خشم را بشناسد و میان «احساس خشم» و «رفتار پرخاشگرانه» تمایز قائل شود. آموزش شناسایی نشانه های جسمانی خشم، توقف کوتاه مدت، تنفس، بازسازی شناختی، خودگویی مثبت و انتخاب پاسخ جایگزین می تواند در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به نقش تنظیم هیجان در پرخاشگری و اهمیت انعطاف پذیری تنظیم هیجان، برنامه های آموزشی بهتر است تنها یک تکنیک ثابت را آموزش ندهند، بلکه مجموعه ای از راهبردها را در اختیار نوجوان قرار دهند تا بتواند بر اساس موقعیت، راهبرد مناسب را انتخاب کند (Haag et al., ۲۰۲۴).



ICPSE
2026

۲. تقویت مهارت حل مسئله و حل تعارض

بسیاری از موقعیت‌هایی که به پرخاشگری منجر می‌شوند، موقعیت‌های تعارض‌آمیز هستند. بنابراین، نوجوان باید بیاموزد که در مواجهه با اختلاف نظر یا ناکامی، مسئله را تعریف کند، راه‌حل‌های مختلف را در نظر بگیرد، پیامدهای هر راه‌حل را ارزیابی کند و مناسب‌ترین گزینه را انتخاب کند. آموزش حل مسئله می‌تواند به نوجوان کمک کند تا پرخاشگری را تنها راه خروج از تعارض تلقی نکند. اهمیت این مؤلفه در برنامه‌های جامعه‌محور نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که آموزش مهارت‌های رفتاری و رویکردهای حل مسئله از اجزای مهم مداخلات بررسی‌شده در فراتحلیل (Jiang et al., ۲۰۲۴) بوده‌اند.

۳. آموزش مهارت‌های ارتباطی و جرئت‌مندی

نوجوان باید بتواند خواسته‌ها، ناراحتی‌ها و مخالفت‌های خود را بدون توهین، تهدید یا خشونت بیان کند. آموزش جرئت‌مندی، گوش دادن فعال، بیان احساسات، استفاده از جملات «من»، احترام به مرزهای دیگران و مدیریت اختلاف می‌تواند جایگزین مناسبی برای رفتارهای پرخاشگرانه باشد. این مهارت‌ها به خصوص در نوجوانانی اهمیت دارند که در روابط همسالان یا خانوادگی مرتباً درگیر تعارض می‌شوند.

۴. آموزش والدین

مداخله در پرخاشگری نوجوان بدون توجه به والدین و فضای خانواده ناقص خواهد بود. والدین باید با شیوه‌های ارتباط مؤثر با نوجوان، تعیین قوانین روشن، پیامدهای منطقی، تقویت رفتار مطلوب، گوش دادن بدون قضاوت و مدیریت تعارض آشنا شوند. استفاده از تنبیه شدید، تحقیر یا پاسخ پرخاشگرانه والد به پرخاشگری نوجوان می‌تواند چرخه تعامل منفی را تقویت کند. بنابراین، آموزش والدین باید به عنوان یکی از اجزای اصلی برنامه‌های پیشگیری مورد توجه قرار گیرد (مرادی گلریز و مرزبان، ۱۴۰۵).

۵. تقویت ارتباط والد - نوجوان

کیفیت رابطه میان والد و نوجوان اهمیت زیادی دارد. نوجوانی که احساس کند والدین او را می‌شنوند، احساساتش را جدی می‌گیرند و در عین حال مرزهای مشخصی برای رفتار تعیین می‌کنند، احتمالاً فرصت بیشتری برای بیان مشکلات خود پیش از تبدیل شدن آنها به رفتارهای شدید خواهد داشت. از این رو، برنامه‌های آموزشی خانواده باید به جای تمرکز صرف بر کنترل رفتار نوجوان، کیفیت ارتباط والد - فرزند را نیز هدف قرار دهند (نیاززاده و علی‌زاده، ۱۴۰۴).

۶. اصلاح جو مدرسه و افزایش احساس تعلق

مدرسه باید محیطی امن، حمایتگر و قابل پیش‌بینی برای نوجوان باشد. تقویت ارتباط میان دانش‌آموز و معلم، ایجاد فرصت مشارکت دانش‌آموزان، کاهش طرد اجتماعی، آموزش مهارت‌های حل تعارض و افزایش دلبستگی به مدرسه می‌تواند در کاهش رفتارهای پرخاشگرانه مؤثر باشد. یافته‌های مربوط به نقش جو مدرسه، باورهای مرتبط با پرخاشگری، همدلی و دلبستگی به مدرسه نیز اهمیت این حوزه را نشان می‌دهد (حجتی و همکاران، ۱۴۰۲). علاوه بر این، شواهد مربوط به برنامه‌های مدرسه‌محور از ضرورت استفاده از ظرفیت مدرسه برای پیشگیری از رفتارهای پرخاشگرانه حمایت می‌کنند (Shen et al., ۲۰۲۴).

۷. شناسایی زودهنگام نوجوانان در معرض خطر

یکی از راهکارهای مهم، شناسایی نوجوانانی است که نشانه‌های اولیه رفتارهای پرخاشگرانه، مشکلات تنظیم هیجان، تعارض خانوادگی یا مشکلات سازگاری مدرسه‌ای را نشان می‌دهند. مداخله در مراحل اولیه می‌تواند از تثبیت الگوی رفتاری جلوگیری کند. غربالگری



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 Septembre 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

اولیه، گفت و گو با دانش آموز، دریافت اطلاعات از والدین و معلمان و ارجاع موارد شدید به متخصصان سلامت روان می تواند در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد.

۸. استفاده از مداخلات چندسطحی

با توجه به چندعاملی بودن پرخاشگری، برنامه های پیشگیرانه بهتر است به صورت چندسطحی طراحی شوند؛ یعنی همزمان آموزش نوجوان، آموزش والدین، مداخله مدرسه ای و حمایت اجتماعی را دربرگیرند. شواهد مربوط به مداخلات جامعه محور نیز نشان داده اند که برنامه هایی شامل آموزش مهارت های رفتاری، حل مسئله، درمان روان شناختی و نظارت اجتماعی می توانند در کاهش رفتارهای پرخاشگرانه مؤثر باشند (Jiang et al., ۲۰۲۴).

۹. توجه به رسانه و بازی های رایانه ای

لازم است درباره میزان و شیوه استفاده نوجوانان از بازی های رایانه ای و رسانه های دیجیتال نیز آموزش هایی ارائه شود. هدف، حذف کامل فناوری نیست؛ بلکه باید به نوجوان کمک کرد زمان استفاده را مدیریت کند، محتوای مناسب را بشناسد و میان فعالیت های دیجیتال و فعالیت های تحصیلی، خانوادگی، اجتماعی و جسمانی تعادل برقرار کند. با توجه به پژوهش های داخلی درباره ارتباط اعتیاد به بازی های رایانه ای و پرخاشگری، این موضوع می تواند در برنامه های پیشگیری مورد توجه قرار گیرد (هاشمی تبار و ملک خانی، ۱۴۰۵).

بحث و نتیجه گیری

پرخاشگری در دوره نوجوانی را نمی توان صرفاً به عنوان یک واکنش رفتاری ساده یا نتیجه ضعف فرد در کنترل خشم در نظر گرفت؛ بلکه این رفتار حاصل تعامل پیچیده میان عوامل فردی، خانوادگی، مدرسه ای و اجتماعی است. بررسی یافته های پژوهش های داخلی و خارجی نشان می دهد که نوجوان در خلأ رفتار نمی کند و نحوه واکنش او به ناکامی، تعارض و فشارهای محیطی، تحت تأثیر کیفیت روابط خانوادگی، ویژگی های هیجانی، باورها، محیط مدرسه و فرصت هایی است که برای یادگیری مهارت های سازگارانه در اختیار او قرار می گیرد. بنابراین، تبیین پرخاشگری مستلزم فاصله گرفتن از دیدگاه های تک عاملی و حرکت به سوی یک نگاه چندسطحی و تعاملی است. یکی از مهم ترین عوامل مرتبط با پرخاشگری نوجوانان، خانواده و کیفیت روابط درون خانواده است. خانواده نخستین محیطی است که نوجوان در آن الگوهای ارتباطی، نحوه حل تعارض، شیوه ابراز هیجان و چگونگی پاسخ گویی به ناکامی را یاد می گیرد. هنگامی که تعاملات خانوادگی با تنش، ارتباط ناکارآمد یا فشارهای مستمر همراه باشد، احتمال آن وجود دارد که نوجوان نیز الگوهای ناسازگارانه تری را در روابط خود به کار گیرد. یافته های نیاززاده و علی زاده (۱۴۰۴) از سوی دیگر، نباید خانواده را تنها در قالب تعامل مادر - فرزند در کنار تنیدگی تحصیلی می توانند در پیش بینی پرخاشگری نوجوانان نقش داشته باشند؛ موضوعی که اهمیت محیط خانوادگی را در شکل گیری این رفتار برجسته می کند (نیاززاده و علی زاده، ۱۴۰۴). از سوی دیگر، نباید خانواده را تنها در قالب «وجود یا نبود مشکل» بررسی کرد، بلکه کیفیت فضای عاطفی خانواده اهمیت اساسی دارد. تعارض های خانوادگی و تعارضات زناشویی والدین می توانند محیطی ایجاد کنند که در آن نوجوان به طور مداوم در معرض تنش، ناامنی عاطفی و الگوهای ارتباطی منفی قرار گیرد. در چنین شرایطی، پرخاشگری ممکن است نه فقط یک مشکل فردی، بلکه واکنشی به محیط ارتباطی نامناسب باشد. این مسئله نشان می دهد که در طراحی برنامه های پیشگیری و مداخله، توجه به روابط والدین با یکدیگر و روابط والدین با



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 Septembre 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

نوجوان باید در کنار آموزش مستقیم به نوجوان مورد توجه قرار گیرد (همایون فر و همکاران، ۱۴۰۴). در سطح فردی، تنظیم هیجان یکی از متغیرهای مهم در فهم رفتار پرخاشگرانه است. نوجوانان در این دوره با تغییرات هیجانی، شناختی و اجتماعی متعددی مواجه اند و در صورتی که توانایی کافی برای شناسایی، تحمل و تنظیم هیجان های شدید را نداشته باشند، ممکن است خشم خود را از طریق رفتارهای تکانشی یا پرخاشگرانه ابراز کنند. پژوهش کمالی ایگلی و همکاران نیز نشان داده است که فرایندهای ارتباطی خانواده و کمال گرایی می توانند در ارتباط با پرخاشگری نوجوانان قرار گیرند و تنظیم شناختی هیجان در این ارتباط نقش میانجی داشته باشد؛ بنابراین، تنظیم هیجان را می توان یکی از سازوکارهای مهم در ارتباط میان عوامل زمینه ای و رفتار پرخاشگرانه دانست (کمالی ایگلی و همکاران، ۱۳۹۶). یافته های پژوهش های خارجی نیز اهمیت انعطاف پذیری در تنظیم هیجان را برجسته کرده اند. تنظیم هیجان صرفاً به معنای سرکوب یا کنترل هیجان نیست، بلکه توانایی فرد برای انتخاب راهبرد مناسب متناسب با شرایط، تغییر راهبرد در صورت ناکارآمد بودن و سازگار شدن با موقعیت های مختلف را نیز دربرمی گیرد. از این منظر، نوجوانی که می تواند در شرایط مختلف راهبردهای متفاوت و مؤثری برای مدیریت هیجان به کار گیرد، احتمالاً در مواجهه با ناکامی و تعارض گزینه های رفتاری بیشتری در اختیار دارد و کمتر به واکنش های پرخاشگرانه متوسل می شود (Haag et al., ۲۰۲۴). عامل مهم دیگر، محیط مدرسه است. نوجوان بخش قابل توجهی از زندگی روزمره خود را در مدرسه سپری می کند و کیفیت روابط او با معلمان، همسالان و نظام آموزشی می تواند بر نحوه سازگاری وی اثر بگذارد. احساس تعلق به مدرسه، کیفیت روابط اجتماعی، جو حاکم بر مدرسه و نحوه مدیریت تعارض ها می توانند در شکل گیری یا کاهش رفتارهای مسئله ساز نقش داشته باشند. پژوهش حجتی و همکاران نیز با بررسی عملکرد خانواده، روان رنجورخویی و جو مدرسه، در کنار نقش واسطه ای باور به پرخاشگری، همدلی و دلبستگی به مدرسه، بر ماهیت چندعاملی پرخاشگری در محیط مدرسه تأکید کرده است (حجتی و همکاران، ۱۴۰۲). از منظر مداخله ای، این یافته ها پیام مهمی دارند: مقابله با پرخاشگری نباید به واکنش پس از وقوع رفتار محدود شود. اگر مدرسه تنها زمانی وارد عمل شود که دانش آموز رفتار پرخاشگرانه نشان داده است، بخش مهمی از فرصت پیشگیری از دست خواهد رفت. آموزش مهارت های تنظیم هیجان، حل مسئله، ارتباط مؤثر، مدیریت خشم و حل تعارض می تواند پیش از تبدیل شدن مشکلات هیجانی و بین فردی به رفتارهای پرخاشگرانه مورد استفاده قرار گیرد. یافته های مربوط به برنامه های مدرسه محور نیز از ظرفیت مدرسه برای اجرای مداخلات ساختاریافته در زمینه کاهش رفتارهای پرخاشگرانه حمایت می کنند (Shen et al., ۲۰۲۴). در کنار مدرسه، جامعه نیز می تواند در پیشگیری از پرخاشگری نقش داشته باشد. نوجوان تنها عضو خانواده یا دانش آموز مدرسه نیست، بلکه در یک محیط اجتماعی گسترده تر زندگی می کند و از گروه همسالان، امکانات اجتماعی، برنامه های فرهنگی و آموزشی و سایر منابع محیطی تأثیر می پذیرد. به همین دلیل، مداخلات جامعه محور می توانند با فراهم کردن فرصت های آموزشی، حمایت اجتماعی و دسترسی به خدمات روان شناختی، بخشی از عوامل زمینه ساز رفتارهای پرخاشگرانه را هدف قرار دهند. شواهد حاصل از مرور نظام مند و فراتحلیل برنامه های جامعه محور نیز اثربخشی این نوع مداخلات را در کاهش رفتارهای پرخاشگرانه کودکان و نوجوانان مورد حمایت قرار داده است (Jiang et al., ۲۰۲۴). نکته قابل توجه دیگر، رابطه میان هیجان های مثبت و رفتارهای ضد اجتماعی است. تصور اینکه رفتارهای پرخاشگرانه همیشه در شرایط هیجان منفی مانند خشم یا ناراحتی رخ می دهند، ساده سازی مسئله است. برخی نوجوانان ممکن است در بعضی موقعیت ها رفتارهای ضد اجتماعی یا پرخطر را با تجربه هیجان مثبت یا احساس لذت همراه کنند و همین مسئله می تواند تداوم رفتار را تقویت کند. بنابراین، مداخلات مؤثر باید علاوه بر کاهش خشم و هیجان های منفی، به کارکردی که نوجوان از رفتار پرخاشگرانه دریافت می کند نیز توجه داشته باشند (Moore et al., ۲۰۲۴). در مجموع، می توان گفت مهم ترین پیام یافته های موجود این است که پرخاشگری نوجوانان نیازمند مداخلات چندسطحی است. مداخله ای که فقط نوجوان را هدف قرار دهد، ممکن است در محیطی قرار گیرد که عوامل ایجادکننده یا تقویت کننده رفتار همچنان وجود دارند؛ همان طور که تمرکز صرف بر خانواده یا مدرسه نیز بدون توجه به ویژگی های فردی نوجوان ممکن است اثربخشی محدودی داشته باشد. بنابراین، مناسب ترین رویکرد، ترکیبی از آموزش مهارت های فردی، مداخلات خانوادگی، برنامه های مدرسه محور و استفاده از ظرفیت های جامعه است. بر اساس این دیدگاه، هدف



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 Septembre 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

اصلی نباید صرفاً «حذف پرخاشگری» باشد، بلکه باید به نوجوان کمک شود شیوه های سالم تر و سازگارانه تری برای مواجهه با خشم، ناکامی، تعارض و فشارهای روانی پیدا کند. در واقع، خشم به عنوان یک هیجان انسانی الزاماً آسیب زا نیست؛ آنچه اهمیت دارد نحوه تفسیر و ابراز آن است. هنگامی که نوجوان بتواند هیجان خود را تشخیص دهد، آن را تحمل کند، پیامد رفتار خود را پیش بینی کند و پیش از واکنش تکانشی از راهبردهای جایگزین استفاده کند، احتمال بروز رفتارهای پرخاشگرانه کاهش خواهد یافت. از میان عوامل بررسی شده، خانواده جایگاه ویژه ای دارد؛ زیرا نوجوان بخش مهمی از الگوهای ارتباطی و هیجانی خود را در تعامل با والدین و سایر اعضای خانواده می آموزد. در کنار آن، توانایی تنظیم هیجان، شیوه مواجهه با ناکامی، باورهای مرتبط با پرخاشگری و مهارت های حل مسئله می توانند تعیین کنند که نوجوان در یک موقعیت تنش زا چگونه واکنش نشان دهد. بنابراین، توجه همزمان به عوامل فردی و محیطی برای طراحی مداخلات مؤثر ضروری است. مدرسه نیز یکی از مهم ترین بسترهای پیشگیری محسوب می شود. برنامه های مدرسه محور این امکان را فراهم می کنند که مهارت های روان شناختی و اجتماعی به صورت نظام مند و پیشگیرانه آموزش داده شوند و نوجوان پیش از آنکه الگوهای پرخاشگرانه در او تثبیت شوند، راهبردهای سازگارانه تری برای مدیریت هیجان و تعارض بیاموزد. شواهد حاصل از پژوهش های مداخله ای نیز بر ظرفیت برنامه های مدرسه محور برای کاهش رفتارهای پرخاشگرانه تأکید دارند (Shen et al., ۲۰۲۴). همچنین، اثربخشی مداخلات جامعه محور نشان می دهد که مسئولیت پیشگیری از پرخاشگری تنها بر عهده نوجوان، خانواده یا مدرسه نیست. فراهم کردن فرصت های مشارکت اجتماعی، فعالیت های گروهی، آموزش های روان شناختی و دسترسی به حمایت های اجتماعی می تواند محیط گسترده تری برای رشد مهارت های سازگارانه نوجوان فراهم کند. از این منظر، پیشگیری مؤثر نیازمند همکاری میان خانواده، مدرسه، متخصصان سلامت روان و نهادهای اجتماعی است (Jiang et al., ۲۰۲۴). برخورد با پرخاشگری نوجوانان زمانی اثربخش تر خواهد بود که از رویکرد صرفاً تنبیهی فاصله گرفته و بر پیشگیری، آموزش و اصلاح عوامل زمینه ای متمرکز شود. کاهش پرخاشگری تنها به معنای جلوگیری از یک رفتار نامطلوب نیست؛ بلکه هدف نهایی باید کمک به نوجوان برای دستیابی به شیوه های سالم تر در مدیریت هیجان، برقراری ارتباط، حل تعارض و مواجهه با ناکامی باشد. چنین رویکردی می تواند علاوه بر کاهش رفتارهای پرخاشگرانه، به بهبود روابط خانوادگی و اجتماعی، افزایش سازگاری و ارتقای سلامت روان نوجوانان نیز کمک کند.

منابع

- عبدلی، اعظم، درگاهی، احمد، و درگاهی، فاطمه. (۱۴۰۵). بررسی علل، پیامدها و راهکارهای کنترل پرخاشگری در نوجوانان و جوانان. دومین همایش بین المللی تحولات نوین در نظام های آموزشی، تربیتی، روانشناسی، مهارت آموزی و مهارت محوری با محوریت آموزش و پرورش در هزاره سوم، بوشهر.
- حجتی، محمد، عباسی، محمد، و قدمپور، عزت الله. (۱۴۰۲). مدل یابی پرخاشگری در مدرسه براساس عملکرد خانواده، روان رنجورخویی و جو مدرسه: نقش واسطه ای باور به پرخاشگری، همدلی و دلبستگی به مدرسه. روان شناسی اجتماعی. دوره ۱۲ شماره ۴۷.
- حسن پور، جواد، منصوری، حاج بخت، صفری، خاطره، و قنواتی، پرسا. (۱۴۰۴). تأثیر تربیت همدلانه بر کاهش رفتارهای پرخاشگرانه. چهارمین همایش ملی تازه های روان شناسی تکاملی و تربیتی، بندرعباس.
- سرائی، زهرا. (۱۴۰۵). بررسی رابطه تعارض های خانوادگی با پرخاشگری نوجوانان و مداخلات مشاوران مدرسه. دومین همایش بین المللی آموزش نوین: پیوند روان شناسی و تربیت در مسیر تحول آموزشی، ملکان.
- شجاعیان، مریم. (۱۴۰۴). عامل بروز پرخاشگری در نوجوانان و راهکارهای پیشگیری از آن. ششمین کنفرانس ملی مطالعات آسیب شناسی روانی و روش های نوین درمان، تهران.
- قائم مقامی، سیده هما، شکیب، مریم، فتاحی، لیلا، و امامی دروپی، مریم. (۱۴۰۵). بررسی عوامل مؤثر بر بروز رفتارهای پرخطر و



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان- ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

پرخاشگرانه در میان دانش آموزان دوره متوسطه. نهمین کنفرانس بین المللی علوم تربیتی، روان شناسی، مشاوره، آموزش و پرورش. شفیع فر، شبنم. (۱۴۰۵). بررسی راهکارهای کنترل خشم در نوجوانان دبیرستانی و نقش مدارس در کاهش رفتارهای پرخاشگرانه. بیست و دومین کنفرانس ملی پژوهش های نوین در تعلیم و تربیت، روان شناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی، شیروان. کمالی ایگلی، سمیه، ابوالمعالی الحسینی، خدیجه، و هاشمیان، کیانوش. (۱۳۹۶). پیش بینی پرخاشگری دختران نوجوان براساس فرآیندهای ارتباطی خانواده و کمال گرایی با میانجی گری تنظیم شناختی هیجان در شهر تهران. مطالعات روان شناختی، ۱۳(۳)، ۱۲۹-۱۴۶.

نیاززاده، رضوان، و علی زاده، مرجان. (۱۴۰۴). پیش بینی پرخاشگری بر اساس کارکرد خانواده، کیفیت تعامل مادر-فرزند و تنیدگی تحصیلی در نوجوانان شهر اهواز. روان شناسی انگیزش، رفتار و سلامت، ۳(۴)، ۱-۱۲.

مرادی گلریز، سمانه، و مرزبان، میترا. (۱۴۰۵). پیش بینی پرخاشگری و هوش هیجانی براساس سبک های فرزند پروری والدین در نوجوانان پسر. دومین کنفرانس بین المللی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت، میناب.

محمودی تاج الدین، زهره، هندریادی، معصومه، و دارابی، علی مراد. (۱۴۰۴). علل بروز پرخاشگری در نوجوانان و راه های مقابله با آن. دومین همایش بین المللی تحولات نوین در علوم تربیتی، روان شناسی و آموزش و پرورش، ارومیه.

همایون فر، هاله، خوش نشین گلپلرز، نگین، و سام دلیری، زینب. (۱۴۰۴). نقش تعارضات زناشویی والدین در پیش بینی رفتارهای پرخاشگرانه نوجوانان در محیط مدرسه. چهارمین همایش ملی ایده های کاربردی در علوم تربیتی، روان شناسی و مطالعات فرهنگی، بوشهر.

- Haag, A.-C., Bagrodia, R., & Bonanno, G. A. (۲۰۲۴). **Emotion regulation flexibility in adolescents: A systematic review from conceptualization to methodology**. *Clinical Child and Family Psychology Review*, ۲۷(۳), ۶۹۷-۷۱۳.
- Jiang, S., Chen, Y., & Wang, L. (۲۰۲۴). **Effectiveness of community-based programs on aggressive behavior among children and adolescents: A systematic review and meta-analysis**. *Trauma, Violence, & Abuse*, ۲۵(۴). <https://doi.org/10.1177/15248380241227986>. ۲۸۶۱-۲۸۴۵
- Moore, J., Tam, L. Y. C., & Allen, J. L. (۲۰۲۴). **When being bad feels good: A systematic review of the relationship between positive emotion and antisocial behavior in children and adolescents**. *Clinical Child and Family Psychology Review*, ۲۷(۳), ۸۳۲-۸۶۲. <https://doi.org/10.1007/s10567-024-00493-4>
- Shen, L., Jiang, S., & Tan, S. (۲۰۲۴). **The effectiveness of school-based programs on aggressive behaviors among children and adolescents: A systematic review and meta-analysis**. *Research on Social Work Practice*. <https://doi.org/10.1177/10497315241227147>
- Wang, P., Wang, Z., & Qiu, S. (۲۰۲۴). **Universal, school-based transdiagnostic interventions to promote mental health and emotional wellbeing: A systematic review**. *Child and Adolescent Psychiatry and Mental Health*. <https://doi.org/10.1186/s13034-024-00735-x>. ۴۷, ۱۸